**هو المشرق من افق ملکوت البرهان**

حمد مقدّس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت محبوبی را لایق و سزاست که بجنود وحی عالم معانی و بیانرا مسّخر نمود و بصفوف الهام مطالع اوهامرا در سقر مقر مقرّر فرمود امام سطوت ملوک بکلمهٴ مبارکهٴ قد اتی المالک ناطق و فوق رؤس علمای ایران بقد اتی الرّحمن متکلّم اعراض احزاب او را از اظهار اسرار منع ننمود و ظلم مشرکین او را از ذکر نبأ عظیم باز نداشت جلّت عظمته و جلّت قدرته لا اله غیره یا ایّها الشّارب رحیقی المختوم اسمع نداء المظلوم الّذی ارتفع من شطر السّجن فی حصن عکّاء قد اتی المالک و الملک للّه مولی الوری و ربّ العرش و الثّری نامهٴ دیگر شما بتوسّط جناب حیدر قبل علی علیه بهائی و عنایتی بساحت اقدس فائز لله الحمد در جمیع احوال بغنیّ متعال ناظرید و بر خدمت قائم و بثناء ناطق نسئل اللّه ان یویّدک و یحفظک و یظهر منک ما یقرّب العباد الی اللّه مالک یوم المعاد از حق میطلبیمم ترا تأیید فرماید و مویّد نماید تا بعضد ایقان اوهامرا بشکنی لعمر اللّه انّ المظلوم فی حزن مبین چه که مشاهده میشود فاسقی چند که در عصمت نقطهٴ اولی روح ما سواه فداه خیانت نموده‌اند حال پیشوای خلقند یا ایّها النّاظر الی الافق الاعلی هنگام نوحه و ندبه است بگو ایقوم بشنوید وصیّت حق جلّ جلاله را و بقلب طاهر و بصر پاک در آثار اللّه نظر نمائید انّها تهدیکم الی صراطه المستقیم و نباءه العظیم انّ الاسماء لا تنفعکم و ما ینفعکم انّه نزّل من ملکوت بیان اللّه ربّ العالمین بگو بافق اعلی توجه نمائید و از دونش فارغ و آزاد شوید نظر را بلند کنید افق امر امام وجوه مشهود بگو ایقوم بحر بنفسه موّاج است و آفتاب حقیقت بذاته مشرق و لائح بعدل و انصاف تکلّم نمائید آیا راضی میشوید بمثابه حزب قبل باوهام مبتلا گردید هزار و دویست سنه و ازید باسما تشبث نمودند و از توحید الٓهی غافل و بعد از عجز و ابتهال در لیالی و ایّام چون نور ظهور از افق ارادهٴ حق جلّ جلاله اشراق نمود علما سبّش کردند و بفتوای آن نفوس غافله آنجوهر احدیّه را شهید نمودند ذکر و ثنای آنجناب و مواعظ و نصایحش لوجه اللّه بوده و هست و البته تأثیر خواهد نمود کلمهٴ که لامر اللّه لسان بآن تکلّم مینماید آن بمثابه نیّر اعظم است . اگر حال فی الجمله سحاب و غمام حایل شود عنقریب از خلف سحاب بر آید و تجلّیاتش عالمرا منوّر سازد نسئل اللّه ان یحفظک و یویّدک و یصلح امورک و ینزل علیک من سماء الفضل ما یجعلک غنیّا بغنائه و منادیا باسمه و ناظرا الی افقه و سامعا ندائه الاحلی فی الصّباح و المساء انّه هو المقتدر علی ما یشاء و الفرد المهیمن علی ما کان و ما یکون یا حسین علیک بهائی ذکرت در نامه بوده نفوسیکه الیوم از نار بغضا مشتعلند و از نور امر بعید از اصل امر آگاه نبوده و نیستند تابع نفسند و مطیع هوی یتکلّمون باهوائهم و لا یشعرون نسئل اللّه ان یبعث هناک من یأخذ الکتاب بقوّة من عنده و قدرة من لدنه و ینصر اولیائه بسلطان لا تمنعه الجنود و لا تضعفه الصّفوف انّه علی کلّ شیء قدیر و بالاجابة جدیر مقبلین للّه الحمد در هر مقام و هر محل که موجودند بأمّ الکتاب متمسّکند و بذیل رحمت الٓهی متشبّث نشهد انّهم من المقرّبین عند اللّه مالک هذا الیوم البدیع البهاء المشرق من افق سماء عنایتی علی من قام علی خدمتی و نطق بثنائی و علیک و علی سمّی بالحسین فی هذا المقام الرّفیع .